



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۳۰

د ص سعیدی

اولویت های ما و راههای خروج از بحران

در مورد «دیورن لاین» منطق «پاکستان، منطق زور، منطق و سیاست بی ثبات سازی افغانستان و سیاست دشمنانه دوامدار و تعجب دوامدار من به بیسوادان سیاسی که فرمایش و خواهش داشتند که با پاکستان باید حور آمد دست از مخالفت و دشمنی با ایشان برداریم و گویا زور ما نمی رسد! تجاوز تجاوز گر را به که خواسته به اطاق خواب و حریم ما، مطابق سفارش این افراد، قبول کرد! و گویا تقیه کنیم و ... ای وای به حال چنین سفارشها و تاکیدیات شان! با تأسف و تأثر، این سفارش، دست برداشتن از مداخله و بی ثبات سازی بنا بر درک از حقایق تاریخی ایکه، پاکستان در ملک غیر ایجاد شده، نیز مکرراً و کماکان، تأکید میشوند! استابلشمنت پاکستان و محققین میدانند که پاکستان به صورت غیر مشروع و به شکل مصنوعی عمدتاً در سر زمین داخل افغانستان ساخته شده! لذا تا زمانیکه این موجود سرطانی به نام پاکستان وجود داشته باشد، مشکل منطقه، افغانسان و حتی جهان، در عالم اسباب حل نه خواهد شد! دیده شده و مستندات وجود دارد که تقریباً هر ترور، دهشت و افراطیت در جهان، که واقع شده، لپنک و به نحوی رابطه، تربینک و موبیدن آن و یا یک دور را در رابطه به پاکستان به نحوی از انحاء داشته و به پاکستان رسیده! درین شرایط زور و تجاوز توقع داشتند که پاکستان تغییر خواهد کرد، کمال نادانی و دلیل دانش سخت ضعیف سیاسی است!

زور ما نمی کشد، باید تسلیم شد و تسلیم شوید، مشکل حل خواهد شد، تأکید سخت احمقانه نیز است! این تنها به خیانت به واگذاری سرزمین خود به دشمن خلاصه نمی شود! مگر حاکمیت جهادی بعد از شکست روسها در افغانستان، سیستماتیک و رسماً تمام دار و ندار خود را مانند مغلوب جنگی به شمول راکتها، طیارات و سلاحهای تکیله به پاکستان تسلیم نه کردند؟ مگر حتی جنرال حمیدگل، رئیس استخبارات نظامی پاکستان را مشاور (حاکم) ارشد خود، مطالبه نداشتند؟! لذا تأکیدیات مبنی، بر اینکه به پاکستان زور ما نمی رسد و باید قبول کرد و ...»، قابل قبول، افغان و انسان سالم و هوشیار نیست و بیشتر به منطق «تقیه» نزدیک و یا هم عین منطقی است! «حسین جان حسین جان، اگر زورت نمی رسید، چرا دوتا نه کردی!». این منطق کوچه و بازار، مسؤولانه نبود و نیست! مرگ حتمی است و تسلیمی به تجاوز ظالم، مجاز نیست!

نص صریح اسلامی است که: ظالم و مظلوم، هر دو در آتش و دوزخ آند! ظالم بخاطر ظلمش و مظلوم به خاطر عدم قیام و عدم مقابله، در برابر ظالم! به همین حکم و صراحت قطعی بالا، هر کس و با مسؤولیت در حد توانش در خدمت حق قرار گرفتن، وجیبه بود و هست!

کم کاری، سهل انگاری و یا خیانت دیگران، دلیل به بر حق بودن امر، کار و ناروای امروز و ظنفروشی امروز نیست! (اقرار حجت قاصره بر مقرر است!) اقرار من گشتم، بخاطریکه وی کشت، دلیل اثبات جرم اقرار کننده و طعن بر دیگران است! درین مورد اقرار به خیانت دیگران و مبرر ساختن آن خیانت دیگران برای اجرای خیانت امروز امروز تأکیدیات، اینک چمتلو خراب کرد و من هم حق دارم خراب کنم! وی جاهلانه عمل میکند و من هم! چنین منطق، توان استادگی ندارد!

در عصر امروز، با توانایی های بلند انسانی، انسان در موارد اصل متن، وسط سطر های، پشت و روی خط را (الحمد لله) خوانده میتوانند! روشن بودن تمام ابعاد سخن (اکثریت تأکیدیات خاینانه با تمام ابعاد و انگیزه های معلوم میشود! لذا باید درک کرد که فهم، درک، منابع معلومات خواننده امروز وسیع آند! تلاش برای فریب دیگران فریب خود است و ما نباید چنین تلاش را داشته باشیم!

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دهها و صدها موقف پاکستان و افراد نوکر پاکستانی وجود دارد و در سه دهها بعد از اقامت طویل المدت افغانها در پاکستان مجبوریت‌های مهاجرتی عده زیادی را در خدمت آی اس ای قرار داده، ولی میلیون‌ها و میلیون‌های دیگر در جانب افغانستان کامل قرار داشتند و دارند! یک محقق و پدram برآن مخالفین افزوده شود و یا کم، چه فرق دارد؟ با چنین فهم از قضایای ماحول، منطق به من چه نیز، نیز مردود میدانیم!

اسلام دین پسیت نیست، سیاست عدم تشدد تعریف درست کار دارد!

بکار گیری منطقی و بجای قلم و تفنگ، ادای رسالت، درایت و عدم افراط و تفریط و عدالت در همه حال را باید پیشه کرد! هرگونه حرکت بی مورد و غیر متوازن، درین چوکات باید دقیق سبک و سنگین گردد!

و اما ناامیدی در مبارزه پنج سال گذشته، علیه توتالیته و مطلق العنانی و ناکامی کار مؤثر در زمینه دلایل خود را دارد که بیشتر به خود این جانب مخالفین حاکمیت غیر مشروع و مطلق العنان بر میگردد!

مقاومت و آزادی و ... با تمام اختلاسه‌های بزرگ و امکانات مالی الترناتیف خوب، ملت سالار و سیستم ملت سالار، تا حال تقدیم نه کرده اند، از لحاظ اخلاقی در تناسب به عمل کرد طالب برابری کرده نمی توانند، کل تلاش شان مقاومت و آزادی و ... به صورت عمده، اصل رسیدگی به غم، رنج و آشک ملت افغان نیست و اکثریت ایشان در حاکمیت جمهوریت، شانه به شانه آمریکا بودند که این ملت را در عمل به تراژیدی کشاندن و حتی ایشان مانند نیروهای بزرگ نظامی جمهوریت، نظام را از داخل با شکست، ساختند. آقای خنجانی، معاون و نطق جناب داکتر عبدالله عبدالله اینرا علناً و تلویزی سه سال قبل اعلان کرد! با ایشان غم ملت افغان، وطن و اسلام نیست! ایشان در گفتار نشستها و عمل به قدرت رسیدن مجدد و حصه گرفتن در قدرت سیاسی از راه معامله در غیاب ملت (به شمول زمان جمهوریت) تمرکز دارند و ملت افغان ازین فکر بازگشت (العیاذ بالله) ایشان نیز حراس دارد!

لذا ایشان (مقاومت، آزادی و ...) بر الترناتیف و سیستم ملت سالار، تمرکز ندارند! عوض سیستم بر افراد، صغیر و یتیم و میراث و نسل دوم و سوم جهادی، تفنگ سالاری تمرکز دارند!

مواضع خاینانه بخشش قسمت افغانستان، به پاکستان، تجزیه طلبی، فدرالی، تقویت و تعمیق تفرقه های قومی و زبانی، بی برنامه گی معقول، افغانی و حد اکثر به هر بیناموسی، تلاش کسب اعتماد استخبارات اجنبی و حد اکثر حد اکثر تلاش برای صادر کردن حاکمیت استخبارات خارجی و تکرار بن اول در قول، اظهارات، تأکیدات شان به صورت روشن و با وسط سطر خوانی، در ذهن شان مستدل دیده و محسوس است!

وظیفه و حق دارم برای آن نوعیت نظام را سفارش کنم و مقدار از مسایل قابل فهم و در چوکات قانون اساسی و به موقع مطرح شدن، حق مسلم هر افغان است و کس حق ندارد، چنین حق را از ملت و مردم بگیرد!

مسلم است، که به هیچ وجه جهان و مردم افغانستان دیگر چنین سناریو ها و خیانتها را اجازه نمی دهند!

امریکا هم دیگر یکه تاز جهان نیست و چیزی را که روسها و آمریکا با آن امکانات وسیع مالی، فزیک و سیاسی وقت، خود نتوانستند، پاکستان با بازی دادن مجدد امریکا، به صورت قطع، نه خواهد رسید و نمی تواند برسد!

مقاله خانی های و گلو غور کردنهاى های عده، و ایجاد صفحات مجازی متعدد ای اس ای و افغانستان انترنشنال و ... جای را نمی گیرد!

حال حالات دیگر اند!

راه حل: از اکت خط کش قورت کرده و افاده های فریب خود، باید پایین آمد!

تمام آسیب ها و تخلفات مندرج و ذکر شده فوق را جدی، گرفت!

از اکت، ژست و تمثیل رهبر رهبر گفتن خود، باید پایین آمد!

از توهین و تحقیر دیگران، به شمول طالب باید، پایین آمد! از تعریف بد مقابل باید حد اقل گاه گاه از تعریف دیگران در مورد خود هم باید شنید و به آن تعمق کرد!

این به معنای تزلزل به ارزش و برحق بود سفید و ارزش قابل قبول و منطقی خود هم نیست و درین مورد باور های خود را نیز باید داشت! اما عوض تمرکز بر صف واحد بزرگ نجات، درین مرحله، به زمین بخشی خاکهای افغانستان « دیورند لاین» و تعمیق نفاق قومی و زبانی، خیانت و آب به آسیاب دشمن ریختن و کودن بودن سیاسی است!

تلاش برای تحمیل این خیانت و آن هم درین مرحله، حد اقل تیشه بر ریشه خود زدن و ناجوانمردانه هم است! به یقین تاکید قبول «خط دیورند»، که چنین شناخت قبلی را از افراد معین از قبل میدانستیم، کدام گپ نو نیست! اما درین مرحله آنرا بالا کردن، حد اقل درایت سیاسی نیست! این عملکرد اگر جاهلانه هم مطرح شده، ضررش به خود شان قبل از همه بر میگردد!

زمان این را ثابت خواهد کرد!

زمانی حق تحمیل و تطبیق را بر دیگران داریم، که مشروعیت آن را از طروق متداول امروز جهان، به صورت مشروع کسب کرده باشیم! این کار هر جاهل نیست! حقوقدان و محکمه بین المللی یک راه حل است! و درین استقامت

ها از ظروف مشروع متداول، پروسه مثبت، ملی را آغاز کردن مشکل ندارد! اما صدور حکم قبل از آغاز محکمه، قابل قبول عدالت نیست!
در غیر آن این داد زدن، استکبار و جهالت دیگران را نه، بلکه خود را خورد و ذلیل کردن است! انتخاب با شما!
به یا داشته باشند که دنیا خورد، فرصتها محدود و هر کس مسؤول و از امکان انتخاب و قضاوت خود است!

داکتر صلاح الدین سعیدی
۲۰۲۶/۰۴/۲۹
۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

نوت: نسبت وسعت کار از لغزش های املائی معذرت میخوام!